

## نفت خصوصی

زرخیزی صنعت نفت ایران با همکاری بخش‌های خصوصی، دولتی و عمومی امکان‌پذیر است. فقط همت و سیاست می‌طلبد.



مورد توجه قرار داد.  
 ● سیاست‌های کلان و  
 اعتمادسازی بین بخش  
 دولتی، عمومی و خصوصی  
 ● سامان‌دهی محیط  
 کسب‌وکار در صنعت و بازار  
 نفت کشورمان

### کلان و اعتماد ساز

بررسی ساختار جدیدی برای صنعت نفت ایران (الگوی شبیه‌نروژ) ضروری می‌نماید. در این راستا، پایه‌گذاری نظام قیمت‌های خوراک و محصول، از طریق نظام آزاد (با توجه به مزیت نسبی پایه منابع کشور) در کنار یک نظام معقول و هدفمند یارانه‌ای (مصرفی و تولیدی) لازم است. اصلاحات کلان مانند کاهش تورم، ثبات قیمت‌ها و دستمزدها، کاهش کسری بودجه دولت، انضباط بودجه‌ای، مالی و پولی، از عوامل مؤثر بر اعتماد بخش دولتی و خصوصی است که در کنار وظایف نظارتی وزارت نفت به جای وظیفه تولیدی یا حاکمیتی، می‌تواند به تقویت این اعتماد بینجامد.

### حوزه‌های نه‌گانه سامان‌دهی محیط کسب‌وکار

به تحلیل ما، فضای کسب‌وکار صنعت نفت کشورمان در ۹ حوزه اساسی جای کار دارد که به طور خلاصه در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

**حوزه اول:** درجه باز بودن اقتصاد (نظیر دسترسی شرکت‌های داخلی به بازار سرمایه خارجی، دسترسی شرکت‌های خارجی به بازار سرمایه داخلی، سهولت سرمایه‌گذاری‌های مشترک داخلی-خارجی)

**حوزه دوم:** حاکمیت و کارآیی دولت (شامل میزان تسلط مؤسسات دولتی بر اقتصاد، تصدی‌گری، شدت دیوانسالاری)

**حوزه سوم:** کارآمدی بازارها (نظیر درجه آزاد بودن و ثبات قیمت‌ها، رقابت‌پذیری، انحصارها، میزان ازدحام اقتصادی دولت و بخش‌های عمومی در صنعت نفت، امکان مدیریت ریسک)

**حوزه چهارم:** عمق، تنوع و قابلیت‌نهادها و بازارهای مالی (شامل فعال بودن بازار اولیه در تأمین سرمایه با عرضه خصوصی و عمومی، ترویج بازار بدهی، رقابتی کردن بانک‌های داخلی، ورود بانک‌های خارجی)

**حوزه پنجم:** گستردگی و آمادگی زیر بناها، از جمله اطلاعات (شامل وجود زیربنای تسهیل‌کننده ارتباطات، وجود بانک‌ها و حافظه‌های اطلاعاتی نظیر "الگوی مدیریت اطلاعات" در صنعت نفت و "پل اطلاعات" در وزارت انرژی آمریکا)

**حوزه ششم:** محیط مستعد ایجاد و توسعه فن‌آوری بومی (نظیر بهینه‌سازی عقد قراردادهای تکنولوژیک بین‌المللی و انتقال تکنولوژی، امکان مشارکت با شرکت‌های خارجی، قوانین مروج تحقیق و توسعه، سهولت حرکت از اختراعات به نوآوری‌ها، تعیین استراتژی توسعه متمرکز (نظیر چین) یا غیر متمرکز (مانند ایالات متحد)، مشوق‌های مالیاتی برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شامل "اعتبار مالیاتی برای سرمایه‌گذاری")

**حوزه هفتم:** انعطاف‌پذیری بازار کار، نیروی کار و مدیریت (مانند وجود نیروی انسانی متخصص، وجود دانشگاه و پژوهشکده‌های نوین تحقیق - پایه، آزادی ورود و خروج نیروی کار و قوانین حافظ منافع منابع انسانی در صنعت نفت)

**حوزه هشتم:** محیط بین‌الملل (متغیرهای غیراقتصادی، شامل اتخاذ استراتژی سیاست خارجی موافق با توسعه صنعت نفت در بلندمدت)

کشور ایران را می‌توان عمدتاً یک اقتصاد "منابع-پایه" قلمداد نمود که از مزایای منابع طبیعی مانند نفت، گاز و پتروشیمی برخوردار است. از سوی دیگر، به دلیل آن که نفت، از منابع "تجدیدناپذیر" می‌باشد و بر اساس (الف) ساختار صنعت نفت کشور و جهان، (ب) اهمیت روزافزون "امنیت انرژی" در روابط بین‌الملل و (ج) تفسیر ما از یک نظریه در اقتصاد که قیمت منابع تجدیدناپذیر با افزایش در طول حیات خود رو به رو خواهد بود (خصوصاً اگر جایگزین ارزانی یافت نشود)، پروژه‌های نفتی "توجیه اقتصادی بلندمدت بسیار مطلوبی" داشته و ضمناً از مزیت‌های نسبی کشورمان محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، ریسک‌های ژئوپلیتیکی در افزایش قیمت انرژی، اثر بسزایی داشته و از دیدگاهی، "توجیه اقتصادی" پروژه‌های نفتی، گازی و پتروشیمی و همچنین، صنایع انرژی بر را به مراتب افزایش داده‌اند. لذا جایگاه کشورمان از دیدگاه اقتصادی بالقوه ارتقا یافته و مستحکم‌تر شده است. تنها می‌باید زرخیزی صنعت نفت را از این دیدگاه و با سیاست‌های معقول و جدی حاصل نمود.

در سال‌های اخیر و پس از تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و طراحی افق ۱۴۰۴، تولید روزانه‌ای معادل ۷ میلیون بشکه نفت و میعانات گازی برای کشورمان در نظر گرفته شده است. برای دستیابی به این رقم، در حدود ۴۴۵ میلیارد دلار سرمایه جهت توسعه در بخش‌های بالادستی (توسعه میادین نفت و گاز) و پایین دستی نیاز است که حتی با فرض ادامه قیمت‌های بالای نفت، در سال‌های آینده، صرفاً از طرف دولت قابل حصول نمی‌باشد. به علاوه، بر همگان آشکار است که کشورمان نیاز به رشد سایر عوامل تولید، بهره‌وری بسیار بالاتر و ارتقای کارآمدی فزون‌تری دارد که با بخش صرفاً دولتی امکان‌پذیر نیست.

مضاف بر این که، مردم‌سالاری یا دموکراسی اقتصادی در صنعت نفت، به نفع کشور بوده و ضمناً دهان خارجی‌ها را که از لحاظ سیاست خارجی نگاه مغرضانه‌ای به کشورمان دارند، خواهد بست. این در حالی است که ایران با کاهش برداشت مخازن نفتی مواجه بوده و این موضوع، با توجه به اتکای فراوان بودجه کشور به بخش نفت و گاز می‌تواند منجر به نارسایی‌هایی در کشور گردد. جهت تولید میزان ۴ میلیون بشکه نفت خام - که تنها ۵/۴ درصد نفت تولیدی جهان می‌باشد - با مشکل استخراج و صدور مواجه هستیم و این امر، به دلیل ناکارآمدی‌های فنی - مدیریتی - سرمایه‌گذاری است. نیاز به بازسازی ساختاری و احیای گسترده فنی در صنعت نفت که با کاهش سالانه ۸ تا ۱۰ درصد از تولید سالانه چاه‌های نفت همراه است و همچنین، توجه به فرسوده بودن تجهیزات، ضرورت ارتقای تجهیزات و تکنولوژی همراه آن را نشان می‌دهد و در این راه، جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی می‌تواند این مشکلات را برطرف کند.

### مزیت نسبی در مقابل "مزیت رقابتی"

متأسفانه در حال حاضر، صنعت نفت کشورمان از مزیت رقابتی برخوردار نمی‌باشد. حتی شرکت‌های ملی نفت و گاز را نمی‌توان به مفهوم بین‌المللی به عنوان شرکت‌های رقابتی - از بُعد سرمایه و تکنولوژی - تفسیر نمود. شاید بتوان صنعت پتروشیمی را - تا اندازه‌ای محدود - رقابتی قلمداد کرد، ولی آشکار است، صنعت نفت کشور تاکنون نتوانسته به طور مستقیم، ارزش افزوده کافی، اشتغال و تکنولوژی قابل قبول و بومی ایجاد نماید. لذا برای آن که بتوان این مزیت نسبی را با مزیت رقابتی همراه کرد، ضروری است خصوصی‌سازی واقعی - بر اساس بند "ج" سیاست‌های کلی اصل ۴۴، ابلاغیه مقام معظم رهبری - صورت گرفته و ورود بخش خصوصی واقعی را نیز - بر اساس بند "الف" سیاست‌های کلی اصل ۴۴ - مورد احترام و مدنظر این سیاست‌ها قرار دهیم. در راستای ایجاد مزیت رقابتی برای کشورمان و انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم و توسعه فن‌آوری، باید دو مورد زیر را

خصوصی و ارتقای توانمندی آن در این صنعت می‌تواند در اعتلای صنعت نفت کشور در راستای رشد، رفاه و اقتدار کشورمان مثمر ثمر باشد. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره در رابطه با خصوصی سازی در صنعت نفت را در صفحات ۳۰-۲۳ می‌خوانیم.

## سیاست خارجی توسعه‌گرا

# تحول با تعامل



از دیدگاه دکتر محمود واعظی، معاون پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، علیرغم شدت عمل‌ها، نظام بین‌المللی موجود از ظرفیت بالایی برای چانه‌زنی برخوردار است.

(۱) تناسب آرمان‌ها با امکانات و مقدرات:

برای کسب موفقیت در عرصه سیاست خارجی، باید آرمان‌ها با توجه به امکانات و مقدرات محیطی و ساختاری مورد توجه قرار گیرند.

(۲) انتخاب گفتمان مناسب در بیان و پیگیری آرمان‌ها و ایده‌ها: توجه به رابطه میان ایده و آرمان از یکسو و زبان و ادبیات مورد استفاده برای بیان و ابزار آن ایده و آرمان از سوی دیگر، نقشی اساسی در تحقق آرمان‌ها دارد.

(۳) گریز از خاص بودن: تأکید بیش از اندازه بر خاص و یگانه بودن، می‌تواند تکبر را به دنبال داشته باشد. به علاوه، این امر موجب واکنش کشورهای دیگر خواهد شد یا حداقل، آنها را در تعامل، دچار تردید و عدم اعتماد خواهد ساخت.

(۴) توجه به عرف و هنجارهای بین‌المللی: توجه به عرف و هنجارهای بین‌المللی در جهان جدید، باید به عنوان یک راهنما در سیاست‌گذاری خارجی مورد توجه قرار گیرد.

(۵) پیگیری اهداف از طریق اقل جمع و مجموعه‌سازی: در شرایط جدید، کشورها از طریق اقدام انفرادی، موفقیت قابل توجهی در سیاست خارجی کسب نمی‌کنند و این امر، حتی در مورد قوی‌ترین و بزرگترین قدرت‌ها نیز صادق است.

(۶) تأکید بر فرهنگ چانه‌زنی در پیگیری اهداف ملی: به رغم برخی شدت عمل‌ها، نظام بین‌المللی موجود، از ظرفیت بالایی برای چانه‌زنی و حل و فصل مشکلات از طریق مذاکره و گفت‌وگو برخوردار است. یک سیاست خارجی موفق، الزاماً باید توانایی‌های خود را برای چانه‌زنی افزایش دهد.

(۷) مشارکت در ایجاد و هدایت فرآیندهای منطقه‌ای: با توجه به این که فرآیندهای منطقه‌ای، متناسب با نیازهای منطقه‌ای شکل می‌گیرند و توسعه می‌یابند، بنابراین، کناره‌گیری از مشارکت در این فرآیندها به نایده گرفتن منافع ملی منجر می‌شود.

(۸) کوشش در جهت از بین بردن تصویر امنیتی: در شرایط جدید، کشورهایی که به هر دلیل، تهدید تلقی شده یا یک تصویر امنیتی از خود بروز می‌دهند، نمی‌توانند اهداف خود را به نحو مطلوبی در نظام بین‌المللی پیش ببرند.

(۹) ضرورت تعامل با اقتصاد جهانی برای تحقق توسعه: هر دولتی که توسعه را به عنوان یک ضرورت و هدف در سیاست خارجی خود پذیرفته است، باید با عناصر اقتصاد جهانی، تعامل سازنده و فعالی برقرار کند.

(۱۰) تغییر روابط کشور با کانون‌های قدرت بین‌المللی، از مخاصمه و تقابل به رقابت: یکی از الزامات بنیادین سیاست خارجی کشور در تحقق اهداف چشم‌انداز بیست ساله، تغییر در ادبیات و روابط بین جمهوری اسلامی ایران و قدرت‌های بزرگ بین‌المللی می‌باشد.

(۱۱) ضرورت اجتناب از رویکرد تقابلی و مخاصمه‌آمیز: اتخاذ رویکرد مخاصمه‌آمیز، نه تنها منجر به تغییر و دگرگونی در نظام بین‌المللی نخواهد شد، بلکه کشوری که این گونه رویکردها را مدنظر قرار دهد، در معادلات جهانی، منزوی یا طرد می‌گردد.

(۱۲) ضرورت توجه به حوزه‌های فرهنگی - تمدنی: کشورهایی که دارای

حوزه نهم: نهادهای مدنی، سیاسی و اجتماعی (شامل وجود و نحوه تعامل گروه‌های ذینفع با یکدیگر و با عامه مردم، اعتماد بین بخش خصوصی، دولت و سایر گروه‌های ذینفع، توسعه انجمن‌ها و تشکلهای در صنعت نفت، مانند INTSOK نروژ) آرزوی ما آن است که در بلند مدت، صنعت نفت ایران می‌باید نقشی بسیار گسترده‌تر از آنچه در ۱۰۰ سال اخیر داشته است، ایفا نماید. ورود قدرتمند بخش

توسعه و رفاه در کنار امنیت، به عنوان یکی از وظایف اصلی دولت‌ها، در عصر جهانی شدن، مطلوبیت غیرقابل تردیدی یافته است. سرعت تلاش دولت‌ها برای رسیدن به سطوح بالاتری از توسعه و رفاه، به ویژه پس از پایان جنگ سرد، افزایش چشمگیری یافته و در بسیاری از کشورها، تلاشی بی‌وقفه برای کسب سهم بیشتری از ثروت جهانی آغاز شده است. در واقع، پایان جنگ سرد، این فرصت را برای بسیاری از نظام‌های سیاسی ایجاد کرد تا با تعریف مجدد دلایل و انگیزه‌های دوستی و دشمنی، ارتقای منافع ملی خود را در فضای جدید جهانی باز تعریف کنند. بدون تردید، کشورها زمانی می‌توانند از فضای جدید جهانی، حداکثر بهره را ببرند که ارزیابی واقع‌بینانه و منصفانه‌ای از خط مشی‌ها، روش‌ها و سیاست‌های خرد و کلان در هر دو حوزه داخلی و خارجی داشته باشند. به عبارت دیگر، نگرش توسعه‌مدار در فضای جدید جهانی، دارای الزاماتی در هر دو حوزه سیاست داخلی و خارجی می‌باشد. در جمهوری اسلامی ایران، تدوین، تصویب و ابلاغ سند چشم‌انداز بیست ساله را می‌توان رویکردی نوین به سیاست، در هر دو حوزه خرد و کلان دانست. این رویکرد پیشنهادی، در واقع، به دنبال ایجاد عقلانیت و پیوستگی در تمامی اقدامات و سیاست‌های کشور، در حوزه‌ها و سطوح متفاوت ملی جهت تأمین ضرورت‌های دوگانه بنیادین (رفاه و امنیت) در قالب فرآیند توسعه ملی می‌باشد. از این رو، در حوزه سیاست خارجی و نحوه مواجهه با جهان بیرونی، سند چشم‌انداز بیست ساله با طرح و تأکید بر مفهوم محوری «تعامل سازنده»، به تعیین راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی با توجه به ضرورت تأمین ثبات و امنیت لازم برای تحقق برنامه توسعه کشور پرداخته است.

## الزامات توسعه‌گرایی

این اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که در چارچوب یک سند مشخص، اهداف کلان کشور مورد تأکید قرار گرفته است. نکته مهمتر آن که، توسعه، به عنوان محور این جهت‌گیری کلان، در صدر اهداف آن قرار گرفته، به نحوی که سایر سیاست‌ها و برنامه‌های ملی بر اساس آن تعریف می‌شوند. علم و فن‌آوری نیز به منزله ابزار چنین فرآیند توسعه‌ای مدنظر قرار گرفته‌اند؛ و پس از آن، بلافاصله مسأله هویت انقلابی و اسلامی کشور مطرح می‌شود. گفتنی است، حرکت در مسیر توسعه، به مفهوم عدول از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی و قانون اساسی نیست، ولی نحوه تحقق این آرمان‌ها متحول شده است؛ به این مفهوم که قرار است با دستیابی به موقعیت توسعه یافتگی، ایران به منشأ الهام و الگو برداری سایر کشورهای اسلامی تبدیل شود. ماهیت هر یک از اهداف سند چشم‌انداز و ابزار تحقق آن، به روشنی حاکی از آن است که توسعه ملی کشور نباید و نمی‌تواند در مسیری مواجه‌آمیز با جهان به ثمر نشیند، بلکه از طریق تعامل سازنده، منابع، آرامش، ثبات، امنیت و نیازمندی‌های لازم برای تحقق توسعه یافتگی فراهم خواهد شد. در واقع، این امر، اتخاذ یک سیاست خارجی توسعه‌گرا را به عاملی بسیار مهم برای تحقق اهداف چشم‌انداز تبدیل می‌کند. مسلماً، سیاست خارجی توسعه‌گرا نیازمند الزاماتی است که می‌توان آنها را به شرح زیر برشمرد: